

The Effect of Oil Rent on Social Capital in OPEC Member Countries: Threshold Panel Approach

Zahra Dirkvand 

Master of Economics, Department of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran

Younes Nademi 

Corresponding Author, Associate Professor of Economics, Department of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran

Reza Maaboudi 

Assistant Professor of Economics, Department of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran

Abstract

Due to the heavy reliance on oil revenue in oil-exporting countries, fluctuations in oil prices can impact the social behavior of individuals within society. As a result, it appears that social capital, as a process of social institutions, is affected by oil rent. The purpose of this research is to investigate the impact of oil rent on social capital in selected OPEC oil-exporting countries from 2009 to 2020 using the threshold panel method. The findings indicate that the threshold value for the ratio of oil rent to GDP is estimated at 3.4%. Prior to this threshold, the ratio of oil rent to GDP had a positive and significant effect on social capital; however, after surpassing this threshold, the ratio of oil rent had a negative and significant effect on social capital. Inflation also had a non-linear effect on social capital, while government size did not have a significant impact. Based on these results and the detrimental effects of high levels of oil rent on social capital, it is necessary to control methods that divert oil resources towards rent-seeking activities. One solution could be removing control over oil rent from governments and transferring it directly to citizens. Experience with government management of oil has shown that instead of optimal allocation, most funds have been spent destructively; therefore, mismanagement has turned this divine gift into a curse.

Keywords: Oil Rent, Social Capital, OPEC, Threshold Panel




JEL Classification: A13 , P48 , Q30

* Corresponding Author: younesnademi@abru.ac.ir

How to Cite: Dirkvand, Z., Nademi, Y., Maaboudi, R. (2023). The effect of oil rent on social capital in OPEC member countries: Threshold panel approach. Iranian Energy Economics, 48 (12), 85-106.



اثر رانت نفت بر سرمایه اجتماعی در کشورهای عضو اوپک: رهیافت پانل آستانه‌ای^۱

زهرا دیرکوند  | کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.
یونس نادمی * | دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.
رضا معبودی  | استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.

چکیده

نوسانات نفتی به دلیل وابستگی زیاد اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت به درآمد حاصل از فروش نفت، می‌تواند بر کنش‌های اجتماعی افراد جامعه تأثیرگذار باشد. از این رو به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی به‌عنوان فرآیندی از نهادهای اجتماعی متأثر از رانت نفتی باشد. بنابراین هدف این پژوهش بررسی تأثیر رانت نفت بر سرمایه اجتماعی در کشورهای منتخب صادرکننده نفت عضو اوپک طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۲۰ با بهره‌گیری از روش پانل آستانه‌ای می‌باشد. یافته‌ها حاکی از آن است که: حد آستانه نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی ۳/۴ درصد برآورد شده است. که تا قبل از این حد آستانه، نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی تأثیری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی داشته است اما پس از عبور از این حد آستانه، نسبت رانت نفت تأثیری منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی داشته است. تورم نیز تأثیر غیرخطی بر سرمایه اجتماعی داشته است. اندازه دولت نیز تأثیر معنی‌داری بر سرمایه اجتماعی نداشته است. با توجه نتایج برآورد و اثرات مخرب سطوح بالای رانت نفت در تخریب سرمایه اجتماعی، لازم است مسیرهای انحراف منابع نفتی به سمت رانت‌جویی کنترل شود. یکی از این راهها خروج رانت نفت از دست دولت و انتقال آن به مردم است زیرا تجربه مدیریت دولتی نفت نشان داده است رانت نفت به جای تخصیص بهینه، بیشتر در جهت فعالیت‌های مخرب رانت‌جویانه هزینه شده است و لذا این موهبت الهی با سوء مدیریت دولت به نفرین تبدیل شده است.

کلیدواژه‌ها: رانت نفت، سرمایه اجتماعی، کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک، پانل آستانه‌ای

طبقه‌بندی JEL: Q30 , P48 , A13

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه آیت‌الله بروجردی است.

* نویسنده مسئول: younesnademi@abru.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل مورد تأکید اقتصاددانان در مدل‌های رشد اقتصادی قرن بیستم توجه به سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی در رشد اقتصادی کشورها بوده است. در مقابل نرخ رشد اقتصادی در برخی از کشورهای دارای منابع طبیعی کمتر بوده است. این تناقض منجر شد اقتصاددانان در دهه‌های اخیر به مسائل اجتماعی و فرهنگی به عنوان عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی تأکید داشته باشند. در تئوری‌های جدید رشد اقتصادی علاوه بر سرمایه، کار، نیروی انسانی، تفاوت‌های منطقه‌ای (جغرافیایی) بر سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر کلان اقتصادی اشاره شده است (پارسایی، ۱۳۹۵: ۲).

سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از عوامل اساسی برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار محسوب می‌شود. دولت‌ها و جوامع تلاش می‌کنند با به کارگیری سیاست‌های مناسب و ارائه راهکارهای صحیح در ارتباط با جامعه، به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نائل شوند؛ زیرا سرمایه اجتماعی یکی از عوامل افزایش بهره‌وری، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی است (رحمانی، عباسی‌نژاد و امیری، ۱۳۸۶: ۵). سرمایه اجتماعی اگر چه متغیر اقتصادی شناخته نمی‌شود، اما به عنوان یک متغیر فرهنگی - نهادی بر متغیرهای اقتصادی از طریق کاهش هزینه‌های مبادله، تسهیل تجارت، کاهش آسیب‌های مالی و اجتماعی، افزایش هماهنگی دولت با جامعه، افزایش کارایی سیاست‌های اقتصادی دولت و... تأثیرگذار است (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۲). اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت وابسته به درآمدهای نفتی است. بنابراین هرگونه نوسان در درآمدهای نفتی منجر به تأثیرگذاری بر سایر بخش‌های اقتصادی مثل تغییر در نرخ ارز، تأمین ارز در بخش‌های اقتصادی، واردات مواد اولیه، تغییر در سهم بخش‌های اقتصادی در بودجه سالانه، تغییر قانون‌گذاری به دلیل کسری بودجه و... اشاره کرد. در این میان درآمدهای نفتی بر رفتار، فرهنگ، روابط اجتماعی و... تأثیرگذار است. سرمایه اجتماعی به عنوان فرآیندی از روابط اجتماعی، شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی که بر مبنای هنجارها و گرایش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد به صورت مستقیم و غیرمستقیم از درآمدها و سیاست‌های نفتی تأثیرگذار است (یزدی، ۱۳۹۰). افزایش رانت حاصل از درآمدهای منابع طبیعی در نبود ساختارهای نهادی کارا می‌تواند با تخریب سرمایه اجتماعی به مانعی برای توسعه تبدیل شود. در شرایطی که دولت‌ها به درآمدهای نفتی یا سایر درآمدهای حاصل از منابع طبیعی وابسته شوند، چندان به درآمدهای مالیاتی احساس نیاز نمی‌کنند و در عمل ارتباط بین بخش دولتی و مردمی

تضعیف شده و در نتیجه پاسخگو بودن دولت به مردم خدشه‌دار شده و این موضوع می‌تواند به تخریب اعتماد و در نتیجه سرمایه اجتماعی منجر شود. همچنین استقلال مالی دولت از مردم می‌تواند پایه‌های دموکراسی را تضعیف نماید و روند مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی تحت تأثیر قرار گیرد و این موضوع می‌تواند سرمایه اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار دهد (پناهی و امینی، ۱۳۹۰). با تحلیلی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای دارای منابع طبیعی و به‌خصوص کشورهای صادرکننده نفت درمی‌یابیم که این کشورها از رشد اقتصادی، بلوغ جامعه مدنی و دموکراسی از سطح یکسانی برخوردار نیستند. کشورهایی مثل عربستان، ونزوئلا و کنگو از نظر توسعه، دموکراسی و سرمایه اجتماعی از سطح ضعیفی برخوردارند. در مقابل کشورهایی مثل کانادا و نروژ که از منابع طبیعی فراوان برخوردارند، از رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، دموکراسی و سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند (رنانی، ۱۳۹۰). با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی، در این مقاله به دنبال بررسی نحوه اثرگذاری رانت نفت بر سرمایه اجتماعی در اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک هستیم. در پژوهش‌های فطرس (۱۳۸۸)، بهبودی و همکاران (۱۳۹۲)، پارسایی و همکاران (۱۳۹۹)، کالیر و هافلر^۱ (۲۰۰۹) و ماسی و ریچوتی^۲ (۲۰۱۶) به صورت خطی به بررسی رانت نفت بر سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند و اثرات مثبت احتمالی رانت نفت بخصوص در رژیم پایین رانت نفت مورد توجه قرار نگرفته است لذا نوآوری این مقاله نسبت به مطالعات پیشین بررسی فرضیه غیرخطی تأثیرگذاری رانت نفت بر سرمایه اجتماعی است.

این مقاله از شش بخش تشکیل شده است. در بخش بعدی مبانی نظری ارائه شده است. در بخش سوم پیشینه پژوهش مرور شده است و بخش چهارم به ارائه مدل و روش‌شناسی پژوهش اختصاص یافته است. بخش پنجم به ارائه نتایج مدل پژوهش و تفسیر آن و آزمون‌های مربوط به آن اختصاص یافته است و نهایتاً در بخش ششم نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۲. مبانی نظری

از دیدگاه نظری می‌توان به امکان وجود ارتباط غیرخطی بین رانت نفت و سرمایه اجتماعی پی برد. به عبارت دیگر در رژیم رانت نفت پایین، رانت نفت می‌تواند اثرات مثبتی بر

1. Collier and Hoeffler

2. Masi & Ricciuti

سرمایه اجتماعی داشته باشد اما در رژیم درآمد نفت بالا و به واسطهٔ ضعیف مدیریت درآمدهای نفتی اثرات آن معکوس می‌شود. اما اینکه چگونه رانت نفت در رژیم درآمد نفت پایین می‌تواند موجب تقویت سرمایه اجتماعی شود را می‌توان به عوامل زیر نسبت داد:

۱. توسعه زیرساخت: رانت نفت را می‌توان برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی مانند جاده‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و خدمات عمومی استفاده کرد. زیرساخت‌های بهبود یافته با فراهم کردن دسترسی بهتر به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و سایر خدمات ضروری، می‌تواند سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد.

۲. توسعه سرمایه انسانی: رانت نفت را می‌توان به برنامه‌های آموزشی و توسعه مهارت اختصاص داد. این سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی دانش و مهارت افراد را افزایش می‌دهد و منجر به بهره‌وری بالاتر و بهبود رفاه اجتماعی می‌شود که می‌تواند به ارتقای سطح سرمایه اجتماعی منجر شود.

۳. برنامه‌های رفاه اجتماعی: رانت نفت می‌تواند برای تأمین مالی برنامه‌های رفاه اجتماعی مانند طرح‌های فقرزدایی، یارانه‌های مراقبت‌های بهداشتی و مزایای بیکاری مورد استفاده قرار گیرد. این برنامه‌ها به کاهش نابرابری و بهبود رفاه کلی جامعه کمک می‌کند.

۴. حفاظت از محیط زیست: بخشی از رانت نفت را می‌توان به تلاش‌های حفاظت از محیط زیست اختصاص داد. که شامل سرمایه‌گذاری در منابع انرژی تجدیدپذیر یا اجرای شیوه‌های پایدار برای کاهش اثرات منفی زیست محیطی استخراج نفت است. چنین طرح‌هایی با حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آینده به رفاه اجتماعی درازمدت کمک می‌کند.

۵. تقویت نهادها: رانت نفت را می‌توان برای تقویت نهادها با سرمایه‌گذاری در اقداماتی همچون شفافیت، مبارزه با فساد، و بهبود فضای کسب و کار مورد استفاده قرار داد. این موارد به ایجاد اعتماد در میان شهروندان و بهبود سرمایه اجتماعی کمک می‌کند.

۶. انسجام اجتماعی: زمانی که رانت نفت به طور عادلانه بین مناطق مختلف در یک کشور توزیع شود، می‌تواند انسجام اجتماعی را با کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تقویت حس همبستگی در میان گروه‌های مختلف ارتقا دهد.

از طرف دیگر رانت نفت در رژیم رانت نفت بالا به دلیل سوء مدیریت درآمدهای نفتی و تشدید نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در نواحی مختلف اقتصاد یک کشور می‌تواند به تضعیف سرمایه اجتماعی منجر شود.

حجم عظیم درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در بحث حقوق مالکیت غیر کارآمد، بازارهای ناقص، ساختارهای قانونی و نهادی ضعیف در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای غیر بازاری می‌تواند منجر به رانت‌جویی در میان تولیدکنندگان شود که این امر سبب می‌شود تا منابع طبیعی با این انحراف، از تأثیر مثبت اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی بکاهند. وفور منابع طبیعی، می‌تواند به مردم یک کشور، احساس امنیت کاذب را القا کند و نابرابری توزیع درآمد را تشدید کند (نادمی^۱، ۲۰۱۸) و منجر می‌شود که دولت و سیاستگذاران اقتصادی احساس نیاز برای اجرای سیاست‌های اقتصادی لازم برای تجارت آزاد، کارآیی نظام اداری و کیفیت نهادی را از دست داده و از این‌رو سرمایه‌گذاری بر روی شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد (ساجز و وارنر^۲، ۱۹۷۴: ۲۴). از دیدگاه پالدام و اسونسن^۳ (۲۰۰۰)، نوع رفتار دولت نقش مهمی بر روند افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی دارد. به طوری که شفاف‌سازی در حکومت‌های دموکراتیک منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و روند محافظه‌کارانه منجر به کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. یکی از عوامل تولید سرمایه اجتماعی وابستگی و اعتماد دولت به مردم و مردم به دولت است. دولت‌ها باید از همه جهت‌ها به مردم متکی باشند تا بتوانند در موقعیت اعتماد مردم قرار بگیرند. وفور منابع طبیعی و وجود درآمدهای نفتی منجر به عدم وابستگی دولت‌ها از مردم می‌شود و کاهش سرمایه اجتماعی را به همراه دارد. کارل^۴ (۲۰۰۷) معتقد است نفت با ویژگی‌های خاصی از جمله تجدیدنپذیری، نوسانات قیمت، قابلیت ایجاد سیکل‌های رونق و تولید، شدت سرمایه‌بری بالای عرضه آن و برخورداری دولت از رانت فروش نفت نقش مؤثری در ساختار اقتصادی کشورهای دارای منابع طبیعی دارند. کارل (۲۰۰۷) معتقد است هر کشوری که از منابع بیشتر نفتی برخوردار است و اقتصاد آن متکی به درآمدهای نفتی است می‌تواند منجر به فساد در آن کشور شود. از این نگرش می‌توان رابطه تأثیر درآمدهای نفتی و رانت حاصل از آن بر سرمایه اجتماعی استدلال کرد. چرا که فساد و اعتماد از رابطه به هم پیوسته‌ای برخوردارند. در کشورهایی که کیفیت نهادی آن‌ها ضعیف است و ساختار نهادی، رانتی است، ذخایر منابع طبیعی می‌تواند مانعی برای توسعه

1. Nademi
2. Sachs and Warner
3. Paldam and Svendsen
4. Karl

اقتصادی و اجتماعی شود. درآمدهای نفتی و چارچوب رانتی از طریق سازوکارهای تخریب دولت، تخریب نهادها و تخریب دموکراسی منجر به کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود (رنانی، ۱۳۸۷). یزدی (۱۳۹۰) معتقد است که نوسان درآمدهای نفتی در کشورهای صادرکننده نفت، نقش مؤثری بر تغییرات نرخ ارز، تأمین ارز در بخش‌های مختلف اقتصادی، واردات مواد اولیه، افزایش یا کاهش سهم بخش‌های مختلف اقتصادی در بودجه و ... داشته است. بنابراین درآمدهای نفتی بر زندگی افراد اثرگذار است و می‌تواند بر رفتار، فرهنگ و کنش‌های اجتماعی افراد جامعه مؤثر باشد. از این رو سرمایه اجتماعی به عنوان فرآیندی از شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی که بر مبنای کنش بین هنجارها و گرایش‌های اجتماعی است به طریق مستقیم و غیرمستقیم متأثر از درآمدهای نفتی است (یزدی، ۱۳۹۰).

پناهی و امینی (۱۳۹۰) معتقدند در دولت‌های رانتی به دلیل استقلال مالی دولت از جامعه، دولت رویه‌های مقتدرانه در مناسبات خود با جامعه در پیش می‌گیرند و در نتیجه منجر به ضعف نهادهای مدنی و گروه‌های اجتماعی می‌شود (پناهی و امینی، ۱۳۹۰). در رابطه با تأثیر رانت منابع طبیعی بر سرمایه اجتماعی، مطالعات تجربی حاکی از آن است که با بهره‌گیری از بهترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و با توجه به داده‌های آماری در دسترس، مکانیزم تأثیر رانت منابع طبیعی و سرمایه اجتماعی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. در بسیاری از این مطالعات از شاخص دموکراسی و شاخص فساد به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی استفاده شده است و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که رانت منابع طبیعی تأثیر منفی بر شاخص دموکراسی و دارای تأثیر مثبت بر شاخص فساد در کشورهای غنی از منابع طبیعی بوده است. از دیدگاه اوتی^۱ (۲۰۰۲) کشورهای غنی از منابع طبیعی، رانت‌جویی برخی از تولیدکنندگان منجر به انحراف منابع از فعالیت‌های اقتصادی مولد می‌گردد. ترکیب انباشت رانت‌های منابع طبیعی، حقوق مالکیت ناسالم، بازارهای ناقص و منحرف شده و ساختارهای قانونی ضعیف منجر به نتایج مخربی می‌شود. گیلفاسون^۲ برای تبیین اثرگذاری رانت‌های منابع طبیعی بر سرمایه اجتماعی در کشورهای غنی از منابع طبیعی بیان می‌کند که معمولاً درگیری بر سر رانت منابع طبیعی منجر به

1. Auty
2. Galivson

تمرکز قدرت اقتصادی در اختیار گروه‌های خاص (گروه‌های وابسته به دولت و یا گروه‌های دارای نفوذ در دولت) می‌شود که از رانت منابع طبیعی برای تأمین مالی حامیان سیاسی و تضمین بقای آنها بر قدرت از طریق متوقف کردن یا تضعیف دموکراسی استفاده می‌کنند. از دیدگاه راس^۱ (۱۹۹۹)، تأیید شده است که درآمدهای حاصل از منابع طبیعی از جمله نفت تأثیر معکوسی بر دموکراسی دارد. تولیدکنندگان رانت‌جوی داخلی به دلیل تقاضای حمایت در مقابل رقبای خارجی، آن را در قالب وضع محدودیت در تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طلب می‌کنند. این فرآیند منجر به تشدید بیماری هلندی می‌شود که خود را با بالا بردن ارزش پول رایج در کشورهای غنی از منابع طبیعی، آن‌ها را در بازار جهانی غیر رقابتی کرده و منجر به کاهش صادرات می‌شود. در ارتباط با تأثیرگذاری رانت منابع طبیعی بر شاخص فساد به عنوان شاخصی از سرمایه اجتماعی، اوتی (۲۰۰۱)، معتقد است که رانت‌جویی منجر به افزایش فساد در ساختار دولت می‌شود که بر انحراف در تخصیص منابع، کاهش بهره‌وری و افزایش نابرابری اجتماعی تأثیرگذار است (احمدیان یزدی و همکاران، ۱۳۹۶).

۳. پیشینه پژوهش

لین و تورنل^۲ (۱۹۹۵) با مقایسه اقتصادهای نفتی و غیر نفتی به این نتیجه دست یافتند که در اقتصادهای نفتی رفتار رانت‌جویانه بیشتر از اقتصادهای غیر نفتی است. در همین راستا باردان^۳ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که تأثیر رانت ناشی از منابع طبیعی در کشورهای در حال توسعه منجر به ایجاد فساد در دولت و کسب و کار افراد جامعه می‌شود که منجر به انحراف در تخصیص منابع می‌شود و در بلندمدت نابرابری‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. مطالعه لیت و ویدمن^۴ (۱۹۹۹) نیز این موضوع را با مطالعه ۹۵ کشور طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۷۰ تأیید کرده است و آنها علاوه بر تأثیر رانت نفت بر تخصیص منابع، تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی را نیز بررسی کردند. به طوری که آنها نشان دادند که وفور منابع طبیعی منجر به

1. Ross

2. Lane and Tornell

3. Bardhan

4. Leite and Weidman

افزایش فرصت‌های رانت‌جویانه می‌شود که فساد اداری، افزایش جرم و کاهش سرمایه اجتماعی به همراه داشته است. به طور مشابه گیلفاسن^۱ (۲۰۰۶) نشان داد که وابستگی بالا به منابع طبیعی منجر به کاهش سرمایه خارجی، سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی می‌شود و در بلندمدت بر رشد اقتصادی تأثیر منفی داشته است.

برخی مطالعات تأثیر رانت نفت بر سرمایه اجتماعی را از طریق مشارکت سیاسی و فرآیند دموکراسی بحث کرده‌اند. به‌عنوان مثال کالیر و هافلر^۲ (۲۰۰۹) اثر آزمون برنامه محافظه‌کاران دموکراسی در جوامع برخوردار از منابع طبیعی را طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۷۰ مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف از انجام این پژوهش تأثیر دموکراسی بر عملکرد کشورهای برخوردار از منابع طبیعی بوده است. در این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های پانل جهانی نشان داده شده است که در کشورهای در حال توسعه که ترکیبی از رانت منابع طبیعی بالا و سیستم‌های باز و دموکراتیک وجود داشته است و روند کاهشی بوده است. در مقابل در کشورهای غنی از منابع طبیعی تمایل به استفاده نادرست از ثروت منابع طبیعی داشته‌اند. رانت ناشی از منابع طبیعی می‌تواند پیامدهای اقتصادی تشکیل دموکراسی را کاهش یا افزایش دهد. همچنین مایسنر^۳ (۲۰۱۰) پدیده نفرین منابع در کشورهای جمهوری آذربایجان، ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاکی از آن است وفور منابع طبیعی و افزایش درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت، مانع اصلی رشد در این کشورها است و منجر به فساد نهادهای اجتماعی و موسسات دولتی شده و ضد دموکراسی عمل کرده است. ماسی و ریچوتی^۴ (۲۰۱۹) تأثیر نفرین منابع بر رژیم‌های سیاسی در ۱۲ کشور مورد مطالعه با بهره‌گیری از روش کنترل مصنوعی پرداخته‌اند. در این پژوهش سطح دموکراسی ۱۲ کشور مورد مطالعه با سطح دموکراسی کشورهایی که شوک نفتی را تجربه نکرده‌اند مقایسه شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تغییرات برون‌زا در مواهب نفت تأثیر یکسانی بر همه کشورها نداشته است.

ازجمله مکانیسم‌های دیگر تأثیرگذاری رانت نفت بر سرمایه اجتماعی پیامدهای اجتماعی آن است به طوری که استرتسکی و همکاران^۵ (۲۰۱۸) اثر توسعه نفت و گاز

1. Gylfason
2. Collier and Hoeffler
3. Meissner
4. Masi and Riauti
5. Stretesky

داخلی در کشور انگلیس و پیامدهای اجتماعی بر وقوع جرم و خشونت بین مقامات محلی را بررسی کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که توسعه نفت و گاز پیامدهای اجتماعی مهمی برای جرم، سازمان‌دهی اجتماعی و عدالت زیست‌محیطی دارد. در این راستا پرز و کلوریا^۱ (۲۰۲۰) با وضعیت پیامدهای رانت نفت و وضعیت توسعه‌ای کشورهای آفریقایی نشان دادند که متوسط رشد رانت منابع منجر به رشد اقتصادی بالاتر نشده است.

در جمع‌بندی از مطالعات تجربی خارجی چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در ارتباط بین رانت نفت و سرمایه اجتماعی با در نظر گرفتن شاخص‌های مانند فساد، رانت‌جویی، دموکراسی و پیامدهای اجتماعی آن پرداخته‌اند.

در مطالعات داخلی فطرس (۱۳۸۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تأثیر رانت نفت بر سرمایه اجتماعی در کشورهای ایران، عربستان، کانادا و نیجریه طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۷۰ و با بهره‌گیری از روش تحلیلی - تاریخی مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاکی از آن است که رابطه بین رانت نفت و سرمایه اجتماعی منفی و معنادار است. در مطالعه‌ای مشابه اما در نمونه‌ای متفاوت، بهبودی و همکاران (۱۳۹۲) تأثیر رانت نفت بر سرمایه اجتماعی در ایران را با بهره‌گیری از روش «خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی»^۲ طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که درآمدهای نفتی دارای تأثیر منفی و معناداری بر سرمایه اجتماعی داشته است. کریمی راهجردی و همکاران (۱۳۹۴) تأثیر درآمدهای نفتی و اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی در ایران با بهره‌گیری از روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۶۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که نوسانات درآمد نفتی و اندازه دولت اثر معناداری بر کاهش سرمایه اجتماعی داشته است. پارسایی و همکاران (۱۳۹۹) تأثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی در کشورهای صادرکننده نفت را با بهره‌گیری از داده‌های پانل نامتوازن و تحلیل حساسیت لیمر طی دوره ۲۰۱۵-۱۹۹۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها حاکی از آن است که افزایش درآمدهای نفتی منجر به کاهش سرمایه اجتماعی شده است.

مطالعات گسترده دیگری بر اثرات رانت نفت بر متغیرهای ساختاری، نهادی و اقتصادی در داخل کشور انجام شده است که می‌توان تأثیر رانت نفت بر سرمایه اجتماعی را به طور

1. Perez and Claveria
2. Auto Regressive Distributed Lag

غیر مستقیم از آنها استنباط نبود. به عنوان مثال توقیفی و یحیوی رازلیقی (۱۳۹۵) تأثیر رانت نفت بر کیفیت نهادها در اقتصادهای متکی به درآمدهای نفتی را با بهره‌گیری از روش رگرسیون آستانه‌ای مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است رانت نفت منجر به کاهش کیفیت نهادها نشده است. در مطالعه دیگری، نادمی و زبیری (۱۳۹۶) تأثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه انسانی در ایران با بهره‌گیری از روش رگرسیون آستانه‌ای طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۵۴ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که رابطه بین درآمد نفتی و سرمایه انسانی غیر خطی است و حد آستانه برآورد شده برای نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی ۰/۰۹ است. همچنین عباسیان، مفتخری و نادمی (۱۳۹۶) اثر غیر خطی درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی در ایران با بهره‌گیری از روش رگرسیون آستانه‌ای طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۵۴ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از وجود رابطه غیرخطی بین نسبت درآمدهای نفتی بر تولید ناخالص داخلی با رفاه اجتماعی است و حد آستانه نسبت درآمدهای نفتی بر تولید ناخالص داخلی ۹/۳۵ درصد برآورد شده است. در مطالعه دیگری، شاه‌آبادی، رهنما و امیری (۱۳۹۷) تأثیر متقابل درآمدهای نفتی با شاخص نهادی حکمرانی بر تشکیل سرمایه فیزیکی با بهره‌گیری از روش برآوردگر گروهی میانگین ترکیبی^۱ طی دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که اثر متقابل درآمدهای نفتی و شاخص‌های حق اظهار و نظر، پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثر بخشی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقرارت و کنترل فساد بر تشکیل سرمایه فیزیکی در کشورهای مورد مطالعه در دوره بلندمدت مثبت و معنادار بوده است و در دوره کوتاه‌مدت اثری نداشته است. همچنین احدی، نادمی و خوجیانی (۱۳۹۸) اثر رانت نفت بر فرار مغزها در کشورهای عضو اوپک با بهره‌گیری از روش پانل آستانه‌ای پویا طی دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی کمتر از ۴۱/۴ درصد باشد، افزایش رانت نفت تأثیر مثبت و معناداری بر فرار مغزها داشته است و پس از عبور از این آستانه، شدت اثرگذاری رانت نفت بر فرار مغزها افزایش می‌یابد.

در یک جمع‌بندی کلی از مطالعات تجربی داخلی چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که رانت نفت منجر به کاهش سرمایه اجتماعی شده است.

1. Pooled Mean Group(PMG)

۴. الگو و روش شناسی^۱

بدین منظور برای بررسی تأثیر رانت نفت بر سرمایه اجتماعی در کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک از مطالعات کریمی راهجردی و همکاران (۱۳۹۳)، بهبودی و همکاران (۱۳۹۲) و پارسایی و همکاران (۱۳۹۹)، رابطه (۱) به عنوان مدل این تحقیق تصریح و برآورد شده است.

$$socap_{it} = \beta_1 + \beta_2 gs_{it} + \beta_3 oilr_{it} + \beta_4 X_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

براساس رابطه (۱)

$$socap_{it} = \text{سرمایه اجتماعی}$$

$$gs_{it} = \text{اندازه دولت}$$

$$oilr = \text{درآمد نفتی}$$

X_{it} = سایر متغیرهای کنترلی مؤثر بر سرمایه اجتماعی که از مطالعات پیشین و ادبیات

نظری استخراج می‌شود.

$$\varepsilon_{it} = \text{جزء خطای معادله}$$

$$i = \text{مقطع مورد نظر}$$

$$t = \text{زمان}$$

همچنین به منظور بررسی اثرات غیرخطی رانت نفت بر سرمایه اجتماعی از تصریح

آستانه‌ای معادله (۱) به شرح رابطه (۲) استفاده می‌شود:

$$socap_{it} = \beta_0 + \beta_1' oilr_{it} I(oilr_{it} \leq \gamma) + \beta_2' oilr_{it} I(oilr_{it} > \gamma) + \beta_4 gs_{it} + \beta_5 X_{it} + e_{it} \quad (2)$$

$$I(oilr_{it} \leq \gamma) = 1 \text{ if } oilr_{it} \leq \gamma$$

$$I(oilr_{it} > \gamma) = 1 \text{ if } oilr_{it} > \gamma$$

که در معادله فوق نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر آستانه‌ای در نظر گرفته شده است و حد آستانه نیز از برآورد مدل (۲) به ازای آستانه‌های مختلف نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی و حداقل نمودن مجموع مجذور خطاها به دست می‌آید.

الگوی پانل آستانه‌ای توسط هانسن^۱ در سال ۱۹۹۹، برای پاسخ‌دادن به این مسئله که آیا توابع رگرسیونی به طور یکنواخت از همه مشاهدات عبور می‌کند یا نه، مطرح گردید. برای تحلیل رابطه‌های غیرخطی از ۲ روش می‌توان استفاده نمود: روش اول: با تقسیم نمونه به ۲ گروه بر پایه ترجیحات فردی انجام می‌گیرد. روش دوم: با استفاده از روش درخت رگرسیونی، تعداد و محل آستانه‌ها به صورت درون‌زا و به کمک مرتب‌سازی داده‌ای موجود تعیین می‌شود. (لی و ونگ^۲، ۲۰۰۵). اگر داده‌های ترکیبی متعادل به صورت $\{y_{it}, q_{it}, x_{it}: 1 \leq i \leq n, 1 \leq t \leq T\}$ که در آن i نشانگر مقاطع و t نشانگر زمان است. متغیر وابسته y_{it} و متغیر آستانه‌ای q_{it} اسکالر هستند. و رگرسور x_{it} یک بردار است. و فرم ساختاری آن به صورت رابطه (۳) است:

$$Y_{it} = \mu_i + \beta_1' x_{it} I(q_{it} \leq \gamma) + \beta_2' x_{it} I(q_{it} > \gamma) + e_{it}$$

که در آن $I(0)$ تابع شاخص است. مشاهدات بر طبق این که متغیر آستانه q_{it} کمتر یا بیشتر از γ می‌باشد، به ۲ رژیم تقسیم می‌گردد. این رژیم توسط تفاوت شیب‌های رگرسیون β_1 و β_2 مشخص می‌گردند. برای شناسایی β_1 و β_2 ، باید عناصر x_{it} در طول زمان تغییر پذیر نباشند، همینطور فرض بر این است که متغیر آستانه‌ای q_{it} در طول زمان تغییر ناپذیر نیست. همچنین فرض شده e_{it} غیر وابسته و به طور یکسان توزیع شده است و دارای میانگین صفر و واریانس محدود σ^2 باشد. سطح آستانه (γ) به عنوان یکی از پارامترهای الگو برآورد می‌شود. به طور معمول با مرتب کردن مشاهدات متغیر آستانه از کوچک به بزرگ و حذف کردن ۱۵ درصد بالایی و پایینی دنباله، منطقه (γ) انتخاب می‌شود. مقدار آستانه به گونه‌ای انتخاب می‌شود که R^2 را حداکثر و یا مجموع مربعات باقیمانده را حداقل کند. (نادمی و وینکر^۳، ۲۰۲۲). چنان^۴ نشان می‌دهد که در صورت نامعلوم بودن پارامترهای آستانه‌ای، می‌توان با حداکثر نمودن ضریب تعیین یا حداقل کردن مجموع مجذورات باقی‌مانده‌ها، تخمین‌های سازگار از پارامترهای آستانه‌ای به دست آورد. (مهرآرا و همکاران، ۱۳۹۰)

1. Hansen
2. Lee and Wong
3. Nademi and Winker
4. Chan

۵. یافته‌ها

قبل از برآورد مدل، تعریف متغیرها و آماره‌های توصیفی آنها در جدول ۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱. تعریف متغیرها و آمار توصیفی آنها

متغیر	شاخص	میانگین	انحراف معیار
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی از زیر مجموعه‌های شاخص لگاتوم بدست آمده است که ترکیبی از سه زیرشاخص انسجام اجتماعی، مشارکت مدنی و شهروندی جهانی است. انسجام اجتماعی میزان اعتماد و ارتباط اجتماعی را در یک جامعه اندازه گیری می‌کند که از طریق سؤالات نظرسنجی که در مورد تمایل افراد برای کمک به دیگران، احساس تعلق آنها به جامعه و اعتماد آنها به دیگران می‌پرسند، اندازه گیری می‌شود. مشارکت مدنی میزان مشارکت در فعالیت‌های مدنی مانند رای دادن، داوطلب شدن و شرکت در سازمان‌های اجتماعی را اندازه گیری می‌کند که از طریق سؤالات نظرسنجی که در مورد مشارکت مردم در این فعالیت‌ها می‌پرسند اندازه گیری می‌شود. شهروندی جهانی سطح تعامل با جامعه جهانی را اندازه گیری می‌کند که از طریق شاخص‌هایی مانند سفرهای بین‌المللی، مهارت زبان خارجی و مشارکت در سازمان‌های جهانی اندازه گیری می‌شود. (وبسایت لگاتوم) ^۱	۴۷/۶۷	۷/۶۷
درآمدهای نفتی	نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی که رانت نفت عبارت است از تفاضل درآمد فروش نفت از هزینه‌های استخراج نفت	۲۵/۰۸	۱۶/۶۰
تورم	رشد شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	۱۰/۴۵	۱۰/۷۳
توان دوم تورم	توان دوم رشد شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	۲۲۳/۴۴	۳۹۰/۵۶
اندازه دولت	نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی	۱۴/۵۸	۳/۸۲

منبع: یافته‌های تحقیق مبتنی بر داده‌ها بانک جهانی و شاخص لگاتوم

• نتایج آزمون مانایی و نامانایی متغیرها

جهت جلوگیری از ایجاد مشکل رگرسیون کاذب پیش از برآورد الگوی مورد نظر، ابتدا باید تمامی متغیرها از نظر مانایی مورد آزمون قرار گیرند. اگر داده‌های استفاده شده در پژوهش نامانا باشند نتایج حاصل از تخمین‌ها کاذب خواهد بود. برخی از آزمون‌های

1. <http://www.prosperity.com>

مورد استفاده برای بررسی مانایی متغیرها در داده‌های تابلویی، آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو^۱، ایم - پسران - شین^۲، دیکی فولر تعمیم یافته^۳ و فیلیپس پرون^۴ می‌باشد. که در این پژوهش متغیرها همگی با آزمون لوین، لی و چو در سطح معنای ۱ درصد پایا (مانا) هستند لذا می‌توان مدل را با روش‌های متعارف همچون حداقل مربعات برآورد نمود.

جدول ۲. نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیر	آماره آزمون (با عرض از مبدا)	ضریب احتمال
سرمایه اجتماعی	-۵/۱۷۰۳۰	۰/۰۰۰
رانت نفت	-۹/۷۹۰۴۳	۰/۰۰۰
تورم	-۳/۴۷۸۴۰	۰/۰۰۰۳
توان دوم تورم	-۵/۱۷۹۹۰	۰/۰۰۰
اندازه دولت	-۱۰/۰۵۷۳	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. نتایج برآورد مدل آستانه‌ای به روش اثرات ثابت

متغیر	ضریب برآورد شده	احتمال آزمون معنی داری
عرض از مبدا	۴۳/۶۶	۰/۰۰
نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی قبل از آستانه ۳/۴ درصد	۳/۱۳۴	۰/۰۰
نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی بعد از آستانه ۳/۴ درصد	-۰/۱۳۱	۰/۰۰
تورم	۰/۵۰۶	۰/۰۰
توان دوم تورم	-۰/۰۰۵	۰/۰۳
اندازه دولت	۰/۰۴۵	۰/۱۶
آزمون معنی داری رگرسیون	۲۸/۸۹	۰/۰۰
آزمون خطی بودن هانسن	۲۳/۹۹	۰/۰۰
آزمون نرمال بودن جاک-برا	۰/۳۱	۰/۸۵
آزمون خطای تصریح رمزی	۰/۲۳	۰/۹۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۹	

منبع: یافته‌های پژوهش (حد آستانه با برنامه‌نویسی در نرم‌افزار Eviews برآورد شده است)

1. Levin, Lin & Chu
2. Im, Pesaran & Shin
3. Augmented Dickey Fuller
4. Philips Peron

حد آستانه نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی ۳/۴ درصد برآورد شده است. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد تا قبل از این حد آستانه، نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی تأثیری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی داشته است اما پس از عبور از این حد آستانه، نسبت رانت نفت تأثیری منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی داشته است. در بین کشورهای مورد بررسی تنها اندونزی است که سهم رانت نفت آن در اقتصاد از مقدار آستانه برآورد شده کمتر است که به معنای تأثیر مثبت رانت نفت بر سرمایه اجتماعی در این کشور است اما برای سایر کشورهای مورد بررسی به دلیل بالاتر بودن رانت نفت از آستانه برآورد شده، رانت نفت تأثیری کاهشی بر سرمایه اجتماعی در این کشورها داشته است. به عبارت دیگر با گسترش سهم نفت در اقتصاد و در نتیجه گسترش فعالیت‌های رانت‌جویی، فساد اداری در جامعه گسترش می‌یابد و این موضوع منجر به تخریب سطح اعتماد جامعه شده و لذا تأثیری منفی بر سرمایه اجتماعی دارد. سطوح پایین رانت نفت در اقتصاد از طریق تقویت زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌تواند به تقویت رابطه مردم و دولت کمک نماید و لذا تأثیری مثبت بر سرمایه اجتماعی بر جای گذارد. بنابراین نفت به خودی خود یک نعمت و موهبت الهی است که در صورت مدیریت بهینه آن به تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی کمک می‌کند اما مدیریت ناصحیح آن و تقویت پدیده رانت‌جویی و فساد اداری است که موجب می‌شود این موهبت الهی تبدیل به نفرینی برای جامعه شود. همچنین نتایج آزمون خطی بودن هانسن نشان می‌دهد فرضیه صفر خطی بودن مدل در سطح معنای ۱٪ رد شده است و حد آستانه برآورد شده معنی‌دار است. تورم نیز تأثیر غیرخطی بر سرمایه اجتماعی داشته است. به طوری که تورم در سطوح پایین و متوسط از سوی جامعه تحمل شده و نتوانسته اثر مخربی بر سرمایه اجتماعی بگذارد اما عبور تورم از سطح ۴۴ درصد تأثیری منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی داشته است. تورم‌های بالا می‌تواند بنیادهای اخلاقی یک جامعه را ویران سازد و به دلیل کاهش شدید قدرت خرید مردم موجب تشدید جرایمی چون سرقت یا فساد اداری نیز می‌شود و در نتیجه اعتماد و سرمایه اجتماعی را تخریب می‌کند. همچنین تورم‌های بالا موجب گسترش نابرابری توزیع درآمد شده و این موضوع می‌تواند به تخریب رابطه مردم با دولت و شکاف بین گروه‌های کم درآمد و پر درآمد منجر شود و در نتیجه موجب گسست جامعه و تخریب سرمایه اجتماعی شود. اندازه دولت نیز تأثیر معنی‌داری بر سرمایه اجتماعی نداشته

است زیرا گسترش دولت در اقتصاد هم از یکسو می‌تواند نشانی از گسترش مخارج توسعه‌ای همچون آموزش باشد که می‌تواند به ارتقای سرمایه اجتماعی کمک کند و هم از سوی دیگر می‌تواند موجب محدودیت بیشتر رقابت در اقتصاد و ایجاد اثر برون رانی یا ازدحامی باشد و به گسترش نظم دسترسی محدود و تقویت بیشتر رانت‌جویی و در نتیجه تخریب اعتماد جامعه منجر شود لذا برآیند این تأثیرات مثبت و منفی بر سرمایه اجتماعی موجب بی‌معنی شدن تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی شده است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل حدود ۵۹ درصد بدست آمده است که نشان می‌دهد ۵۹ درصد تغییرات سرمایه اجتماعی توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. همچنین آماره جاک-برا^۱ نشان می‌دهد توزیع خطاهای نمونه نرمال است و لذا می‌توان با آماره‌های t و F به استنباط آماره‌ای نتایج پرداخت. آماره آزمون F معنی‌داری رگرسیون نیز نشان می‌دهد رگرسیون از نظر آماره‌ای معنی‌دار است. همچنین آزمون خطای تصریح ریست رمزی^۲ نشان می‌دهد فرضیه صفر عدم خطای تصریح رد نشده است. برای انجام این آزمون توان دوم و سوم مقادیر برازش شده متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی) در مدل وارد شد که نتایج حاکی از بی‌معنی بودن رگرسیون مذکور دارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

درآمدهای حاصل از فروش نفت در کشورهای دارای منابع نفتی می‌تواند یکی از عوامل توسعه این کشورها باشد اما از طرفی استقلال دولت‌های صادرکننده نفت از مردم در این کشورها می‌تواند زمینه‌ای برای کاهش توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کند. این مسائل که در چه شرایطی درآمدهای نفتی تسریع‌کننده توسعه و در چه شرایطی عاملی برای بازدارندگی توسعه است، مسئله مهمی برای کشورهای صادرکننده نفت است. یکی از مهم‌ترین مسائل در مباحث درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، تأثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی است. شناخت این رابطه می‌تواند به سیاست‌گذاران اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت کمک کند تا زمینه‌ای برای جلوگیری از آثار منفی درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی فراهم نماید.

1. Jarque -Bera
2. Ramsey Reset Test

نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد تا قبل از حد آستانه $3/4$ درصد از نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی، رانت نفت تأثیری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی داشته است اما پس از عبور از این حد آستانه، نسبت رانت نفت تأثیری منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی داشته است. به عبارت دیگر با گسترش سهم نفت در اقتصاد و در نتیجه گسترش فعالیت‌های رانت‌جویی، فساد اداری در جامعه گسترش می‌یابد و این موضوع باعث تخریب سطح اعتماد جامعه شده و لذا تأثیری منفی بر سرمایه اجتماعی دارد. نتایج این مطالعه متمایز از مطالعات پیشین است که به یک رابطه خطی و منفی بین رانت نفت و سرمایه اجتماعی پی برده‌اند. این مطالعه سطوح پایین رانت نفت برای اقتصاد را مناسب برای تقویت سرمایه اجتماعی ارزیابی کرده در حالیکه سطوح بالای رانت نفت اثرات منفی بر سرمایه اجتماعی بر جای می‌گذارد که یافته‌های تأثیر رانت نفت بر سرمایه اجتماعی در رژیم رانت نفت بالا مطابق با یافته‌های مقالات پیشین از جمله مطالعات فطرس (۱۳۸۸)، بهبودی و همکاران (۱۳۹۲) و کریمی راهجردی و همکاران (۱۳۹۳) است. تورم نیز تأثیر غیرخطی بر سرمایه اجتماعی داشته است. به طوری که تورم در سطوح پایین و متوسط از سوی جامعه تحمل شده و نتوانسته اثر مخربی بر سرمایه اجتماعی بگذارد اما عبور تورم از سطح 44 درصد تأثیری منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی داشته است. اندازه دولت نیز تأثیر معنی‌داری بر سرمایه اجتماعی نداشته است. با توجه نتایج برآورد و اثرات مخرب سطوح بالای رانت نفت در تخریب سرمایه اجتماعی، لازم است مسیرهای انحراف منابع نفتی به سمت رانت‌جویی کنترل شود. یکی از این راهها خروج رانت نفت از دست دولت و انتقال آن به مردم است زیرا تجربه مدیریت دولتی نفت نشان داده است رانت نفت بجای تخصیص بهینه، بیشتر در جهت فعالیت‌های مخرب رانت‌جویانه هزینه شده است و لذا این موهبت الهی با سوء مدیریت دولت به نفرین تبدیل شده است.

۷. تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

۸. سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از داوران محترم که با نظرات ارزشمندشان باعث ارتقای کیفیت مقاله شده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

ORCID

Zahra Dirkvand  <https://orcid.org/0008-0009-4148-0771>

Younes Nademi  <https://orcid.org/0003-0000-0347-0557>

Reza Maaboudi  <https://orcid.org/0003-0000-5200-4273>

۹. منابع

- احدی، حدیث؛ نادمی، یونس؛ و خوچانی، رامین. (۱۳۹۸). رانت نفت و فرار مغزها در کشورهای عضو اوپک، پژوهشنامه اقتصاد انرژی، (۳۰)، ۸، ۲۲-۱.
- احمدیان یزدی، فرزانه؛ همایونی فر، مسعود؛ مهدوی عادل، محمدحسین؛ فلاحی، محمدعلی و حسینی، سید محمد. (۱۳۹۶). توسعه مالی بر نحوه اثرگذاری رانت منابع طبیعی بر اشکال مختلف سرمایه در ایران، اقتصاد پولی و مالی، (۱۳)، ۲۴، ۶۸-۳۰.
- بهبودی، داود؛ اصغرپور، حسین؛ باستان، فرانک و سیف، یزدان. (۱۳۹۲). تأثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، (۳)، ۱۳، ۱۹۰-۱۲۴.
- پارسایی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی اثر درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اقتصادی.
- پارسایی، زهرا؛ حسین پور، فاطمه؛ عبدالهیان، حمیدرضا و قاسمی ورنامخواستی، ابراهیم. (۱۳۹۹). بررسی اثر درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی در کشورهای تحصیل‌دار با رویکرد مرزهای نهایی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، (۶۵)، ۱۶، ۱۹۶-۱۵۵.
- پناهی، محمدحسین؛ و امینی، اشراف. (۱۳۹۰). دولت رانتی، اقتصاد دولتی، فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی ایران، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، (۷)، ۲، ۹۴-۵۹.
- توفیقی، حمید و یحوی رازلیقی، حسین. (۱۳۹۵). تأثیر رانت نفت بر کیفیت نهادها در اقتصادهای نفتی، سیاست‌گذاری اقتصادی، (۱۱)، ۸، ۲۱-۴۰.
- رنانی، محسن. (۱۳۸۷). نفت، سرمایه اجتماعی و امتناع توسعه، ویژه‌نامه سده نفت، روزنامه سرمایه. رنانی، محسن و مویدفر، رزیتا. (۱۳۹۰). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران: انتشارات نو.
- شاه آبادی، ابوالفضل؛ رهنما، حمیده و امیدی، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر متقابل درآمدهای نفتی با شاخص نهادی حکمرانی بر تشکیل سرمایه فیزیکی، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی اقتصادی سابق)، (۳)، ۱۵، ۲۱.

- عباسیان، عزت ا...؛ مفتخری، علی و نادمی، یونس. (۱۳۹۶). اثرات غیرخطی درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی در ایران، رفاه اجتماعی، (۶۴) ۳۴، ۱۷-۱۱.
- عباسی نژاد، حسین؛ رحمانی، تیمور و امیری، میثم. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، (۷) ۷، ۲۰-۱.
- فطرس، مسطوره. (۱۳۸۸). تحزیه و تحلیل تأثیر رانت نفت بر سرمایه اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اقتصادی.
- کریمی راهجردی، اباذر؛ رنانی، محسن؛ عمادزاده، مصطفی و طیبی، سید کمیل. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین نوسانات درآمدهای نفتی و اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی در ایران. اقتصاد و الگوسازی، ۵ (شماره ۱۹-۲۰)، ۷۹-۱۰۹.
- نادمی، یونس و زبیری، هدی. (۱۳۹۶). نفت و سرمایه انسانی: تفکری دوباره در مورد فرضیه نفرین منابع در ایران، پژوهشنامه اقتصاد انرژی، (۲۳) ۶، ۱۶۵-۱۵۳.
- یزدی، ابراهیم. (۱۳۹۰). بررسی درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اقتصادی.

References

- Auty, R. (2002). *Sustaining development in mineral economies: the resource curse thesis*. Routledge.
- Bardhan, P. (2017). Corruption and development: a review of issues. *Political corruption*, 321-338.
- Collier, P. and Hoeffler, A. (2009). Testing the neocon agenda: Democracy in resource-rich societies. *European Economic Review*, 53(3), 293-308.
- Gylfason, T. (2006). Natural resources and economic growth: From dependence to diversification. *Economic liberalization and integration policy: Options for Eastern Europe and Russia*, 201-231.
- Karl, T. L. (2007). Oil-led development: social, political, and economic consequences. *Encyclopedia of energy*, 4(8), 661-672.
- Lane, P. R., & Tornell, A. (1996). Power, growth, and the voracity effect. *Journal of economic growth*, 1, 213-241.
- Leite, M. C., and Weidman, J. (1999). *Does Mother Nature corrupt? Natural resources, corruption, and economic growth*. International Monetary Fund.
- Masi, T., & Ricciuti, R. (2016). Oil discoveries and democracy (No. 2016/57). WIDER Working Paper.
- Meissner, H. (2010). The resource curse and rentier states in the Caspian region: A need for context analysis.
- Nademi, Y. (2018). The resource curse and income inequality in Iran. *Quality and Quantity*, 52(3), 1159-1172.

- Nademi, Y. and Winker, P. (2022). Non-Linear effects of government size on inflation in OPEC Countries: A threshold panel approach. *Iranian Economic Review*, 26(1), 199-214.
- Paldam, M. and Svendsen, G. T. (2000). An essay on social capital: looking for the fire behind the smoke. *European journal of political economy*, 16(2), 339-366.
- Perez, C. and Claveria, O. (2020). Natural resources and human development: evidence from mineral-dependent African countries using exploratory graphical analysis. *Resources Policy*, 65, 101535.
- Ross, M. L. (1999). The political economy of the resource curse. *World politics*, 51(2), 297-322.
- Sachs, J. D. and Warner, A. (1997). Natural resource abundance and economic growth-revised version. *Working Paper, Harvard University*.
- Stretesky, P. B., Long, M. A., McKie, R. E. and Aryee, F. A. (2018). Does oil and gas development increase crime within UK local authorities?. *The Extractive Industries and Society*, 5(3), 356-365.

In Persian

- Abbasian, E., Moftakhari, A., & Nademi, Y. (2017). The Nonlinear Effects of Oil Revenues on Social Welfare in Iran. *Refah-e-Ejtemaie*. 17(64), 39-72. [In Persian]
- Abbasinejad, H., Rahmani, T., & Amiri, M. (2007), Investigating the impact of social capital on Iran's economic growth, *Sustainable Growth and Development Research*, (7) 7, 1-20. [In Persian]
- Ahadi, H., Nademi, Y. & Khochiany, R. (2019). Oil Rent and Brain Drain in the OPEC Oil Exporting Countries. *Iranian Energy Economics*, 8(30), 1-2110485. [In Persian]
- Ahmadian Yazdi, F., Homayouni Far, M., Mahdavi Adeli, M. H., Falahi, M. A., & Hoseini, S. M. (2017). Investigating the Role of Financial Development on the Effects of Natural Resource Rents on other Kinds of Capital in Iran. *Monetary & Financial Economics*, 24(13), 30-68. [In Persian]
- Behboudi, D. Asgharpur, H. A., Bastan, F. and Seif, Y. (2013). The Impact of Oil Revenues on Social Capital in Iran. *QJER*, 13 (3) ,109-124. [In Persian]
- Fotros, M. (2009). Analysis of the effect of oil rent on social capital, Master's thesis, Allameh Tabatabai University, Faculty of Economic Sciences. [In Persian]
- Hossein Panahi, M. H., & Amini, A. (2011). Rentier State, State Run Economy, Political Culture and Social Capital in Iran (1989-2005), *Political and international research*, 3(7), 59-94. [In Persian]

- Karimi Rahjerdi, A., Renani, M., Emadzadeh, M. and Tayebi, S. K. (2015). Investigating the Relation between Oil Revenues Fluctuations and Government Size on Social Capital in Iran. *Journal of Economics and Modeling*, 5(19-20), 79-109. [In Persian]
- Mehrara, M., Abrishami, H. and Zamanzadeh Nasr Abadi, H. (2010). Disasters or resources: A case study of OPEC member countries, *Economics Research*, 10(38), 205-233. [In Persian]
- Nademi, Y. and Zobeiri, H. (2017). Oil and Human Capital: Rethinking about Resource Curse Hypothesis in Iran. *Iranian Energy Economics*, 6(23), 153-183. [In Persian]
- Parsai, Z. (2017). The Effect Oil Rent on Social Capital, Master's Thesis Ferdousi University of Mashhad, Faculty of Economic Scinces. [In Persian]
- Parsai, Z., hosseinpour, F. abdollahian, H. and ghasemi, E. (2020). Investigating Effect of Oil Revenues on Social Capital in Oil Rentier Countries: An Extreme Bounds Analysis Approach ,16 (65) :155-196, *Iran Energy Economic Research Journal*, [In Persian]
- Renani, M., & Moayedfar, R. (2012). *Decline cycles of ethics and economics: social capital and development in Iran*. New Publications, Tehran. [In Persian]
- Shahabadi, A., Rahnama, H., & Omid, V. (2018). The Interaction of Oil Revenue with the Governance Index on the Formation of Physical Capital. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 15(3), 21-42. [In Persian]
- Tofighi, H. and Yahyavi Razlighi, H. (2016). The Effect of Oil rents on the Institutional Quality in Oil-Based Economies. *The Journal of Economic Policy*, 8(16), 21-40. [In Persian]
- Yazdi, E. (2010). Investigating oil revenues on social capital in Iran, Master's thesis, Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Economic Science. [In Persian]

استناد به این مقاله: دیرکوند، زهرا؛ نادمی، یونس؛ معبودی، رضا. (۱۴۰۲). اثر رانت نفت بر سرمایه اجتماعی در کشورهای عضو اوپک: رهیافت پانل آستانه‌ای، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۴۸ (۱۲)، ۸۵-۱۰۶.



Iranian Energy Economics is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.